

جلسه ۱۴۰۱/۹/۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾<sup>۱</sup>

مسائل مختلف اعتقادی به طور اکثر در گذشته از جلساتی که گذشت انجام شد. بحث اخیر ما به سنت های قرآن، سننی که در قرآن کریم مطرح است، یعنی روش هایی که خداوند متعال نسبت به بندگانش اجراء می کند، به عموم خلق برنامه ای که حضرت حق در مسائل مختلف در جریان قرار می دهد، گفته می شود سنت.

سننی گفته شد. سنت آزمایش، سنت مهلت، سنت تغیر، سننی گفته شد. مطلب آخر این بود که سنت کفایت بر اثر توکل. آیاتی در این زمینه قرائت شد؛ از جمله این آیه شریفه ای که ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾<sup>۲</sup>. و معنای توکل هم در بیان حدیثی و بیانی از مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه که در کتاب شریف بحار بیان شده است، قرائت شد.

توکل در روایت

آنچه امروز عرض می کنیم در تتمه همین بحث، یک حدیث و یک بیانی هم از مرحوم حواجه نصیر الدین طوسی در معنای توکل.

اما حدیث از حضرت صادق ع است. «إِنَّ الْغِنَى وَالْعِزَّ يُجُولَانِ فَإِذَا ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطَنَا»<sup>۳</sup> حضرت فرمودند که بی نیازی و عزت، این دو مسئله مهم که انسان بی نیاز بشود، غنی بشود؛ و نیز عزیز باشد، دارای عزت باشد؛ غناء و عز این دو حالت بسیار ممتاز در جولان هستند، در سیر هستند که کجا قرار بگیرند، کجا توطن کنند به تعبیر خود حدیث در جریان هستند و در جولان، وقتی انسانی متوکل ببینند و اهل توکل که دل از غیر خدا کنده است و دل به خدا داده است، تکیه اش به ذات مقدس حضرت حق است و امید به غیر حضرت حق را از خود دور کرده است، در عین این که به اسباب و وسائلی که خداوند مقرر کرده نیز توجه دارد، وقتی ببینند کسی چنین حالتی دارد، حال توکل عزت و غنا، آن جا وطن می کنند؛ قرار می گیرند و ثبات پیدا می کنند.

۱ - سوره اسراء، آیه ۹.

۲ - سوره طلاق، آیه ۳.

۳ - الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲/۶۵ باب التفویض إلى الله و التوکل علیه .....

یعنی اگر چنانچه کسی بخواهد بی نیاز شود، و بخواهد عزیز باشد، باید توکل به خداوند متعال بکند. دل از غیر خدا کندن و به خدا دل دادن، در عین انجام اسبابی که خدا تعیین کرده است. بسیار حدیث آموزنده‌ای است. برای این که اگر انسان بخواهد این دو صفت بسیار مهم، این دو حالت بسیار ارزنده را داشته باشد، چه بکند؟ باید سعی کند، تلاش کند، تمرین کند تا آن‌جا که دل از غیر خدا کندن، و به او امیدوار بودن، و در ارتباط با توجه به او در عین انجام وظائف که او تجویز کرده کار نمودن، سعی داشتن. «إِنَّ الْغِنَى وَالْعَزَّيْبُولَانَ» در جولان هستند سیر می‌کنند، «فَإِذَا ظَفَّرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ» وقتی که ببینند که کسی متوکل است، -موضع توکل می‌شود شخص متوکل. شخصی که حال توکل دارد، آن موضع توکل است؛ جایگاه توکل است. - وقتی ببینند کسی توکل پیدا کرده، همان‌جا قرار می‌گیرند و جا مستقر می‌شوند. «فَإِذَا ظَفَّرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطَأْنَا».

یعنی هر کس این دو صفت بسیار مهم را بخواهد داشته باشد که یک دنیا ارزش به انسان می‌دهد. و اگر انسان به این کمالات نرسد، بسیار ضرر کرده است. یکی بی نیازی حقیقی که بی نیازی نفس است در حقیقت، غنای روح است در حقیقت؛ و دیگر عز و عزت. راهش این است که حال توکل داشته باشد، متوکل علی الله باشد. و توکل هم قبلاً معنا شده، و آن دل کندن از غیر خداوند متعال، تکیه کردن به خداوند متعال در عین استفاده کردن از اسبابی که خود خداوند متعال تعیین کرده است و تجویز نموده است.

توکل در بیان خواجه نصیر الدین طوسی

بیان مرحوم علامه مجلسی جلسه قبل صحبت شد. اما بیان مرحوم محقق طوسی سلطان المحققین، چنین گفته است ایشان در کتابی که دارند به نام اوصاف الاشراف «المراد بالتوکل أن بكل العبد جميع ما بصدرة عنه و يرد عليه الى الله تعالى» همه کارهایش را واگذار به حضرت حق بکند. چرا؟ چون می‌داند فرد دارای توکل، که او از همه قوی‌تر است و از همه آگاه‌تر است. اگر انسان بخواهد کار را به کسی واگذارد که به بهترین صورت انجام شود، باید آن شخص در آن مورد توانا باشد، دانا باشد، مهربان باشد. و قدرتی از قدرت حق برتر نیست. چه این که قدرتی است بی عجز. علمی از علم او برتر نیست. چه این که علم او علمی است بی جهل. مهربانی از مهربانی او بیشتر نیست. چه این که مهربانی او به وصف نمی‌آید. بنابر این انسان عاقل تکیه می‌کند به ذات مقدس حضرت حق. «لعلمه بأنه أفوى و أقدر و يصنع ما قدر عليه على وجه أحسن و أكمل» و هر چه را هم که قدرت دارد، به بهترین صورت انجام می‌دهد و اكمل. و بعد راضی هم باشد به آنچه که ذات مقدس حضرت حق برای آن تقدیر کرده است. «ثم يرضى بما

فعل و هو مع ذلك يسعى و يجتهد فيها و كله اليه» تلاش می‌کند، کوشش خودش را هم دارد در چیزهایی که خدا مجوز داده، به او اجازه داده است که خودش باید انجام بدهد. «و يعدّ نفسه» و خودش را و توانایی خودش را و اراده خودش را، همه را از اسبابی بداند که وقتی به کار می‌گیرد، اراده پروردگار تعلق می‌گیرد که تقدیر کند برای او آنچه را که بخواهد. «و يعدّ نفسه و قدرته و عمله و إرادته من الأسباب و الشروط المخصّصة لتعلّق قدرته تعالی»<sup>۱</sup>. این است معنای توکل اجمالاً.

و بالنتیجه وسیله خیر است و سعادت و همه چیز. کسی که این حالت را داشته باشد، از خصوصیات او این است که در همه مشکلات هم هیچ وقت به زانو در نمی‌آید. این حال توکل یا به او آن چنان لطف می‌شود که مشکل رفع می‌شود؛ یا آن چنان می‌شود که خدا حال استقامت به او می‌دهد. از مهم‌ترین مواردی که این حالت توکل در همه شئونشان سخت متلائماً بوده است و درخشان، وجود مقدس حضرت زینب (علیها السلام) هستند.

امروز روز ولادت بی بی هست. این توکل آن حضرت به خداوند متعال بود که در تمام آن فرازاها و نشیب‌ها، همه آن ابتلائات به زانو در نیامد. بلکه در عین سختی‌های عجیب، و در شرائطی که قابل توصیف نیست از نظر زمینه گرفتاری‌ها و ابتلائات، استقامتی نشان دادند که همگان را مبهور کردند. و در آن وقتی که یزید در اعلا درجه قدرت و این بزرگوار و عزیزانشان در وضعیت بسیار فوق العاده پر رنج، که همه امکانات از آن‌ها گرفته شد، اعلام می‌کردند که «كَيْدُ كَيْدِكَ وَ اجْهَدُ جُهْدَكَ»<sup>۲</sup> هر چه می‌توانی تلاش علیه ما بکن، ولی بدان که تو نابود خواهی شد و ما باقی هستیم؛ بر اساس همان حال توکلی که به پروردگار متعال داشتند. اگر انسان بخواهد عزت حقیقی پیدا کند، غنای حقیقی پیدا کند، بزرگواری حقیقی پیدا کند، راهش این است که هر چه بیشتر در زمینه تکیه بر پروردگار با توجه به اشاراتی که شد، بیشتر کار کند تلاش کند؛ و به خداوند متعال که حی است و قیوم است و علیم است و قوی است و خبیر است و مهیمن است و رحیم است و کریم است، هر چه بهتر تکیه کند. آن گاه است که «وَ مِنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»<sup>۳</sup>.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

<sup>۱</sup> - سفينة البحار ج ۸/۵۷۲ کلام المحقق الطوسی فی التوکل ....

<sup>۲</sup> - الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) ج ۲/۳۰۹ احتجاج زینب بنت علی بن ابی طالب حین رأی یزید لعنه الله یضرب تنایا الحسین ع بالمخصرة ....